

یادآوری درس ۸ سال دهم

در سال گذشته با مبحثی آشنا شده ایم که شکل ها و قالب های مختلفی را با عنوان اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه به ما می آموخت. ضمناً هدف از آموختن این شکل های مختلف استفاده از ترجمه‌ی اسم ها در قالب های فوق است چرا که هر کدام معنای خاص از اسم را به ما ارائه می داد. حال در این بخش مباحثت فوق را مرور خواهیم کرد:

برای افعال با ریشه‌ی بیش از ۳ حرف	برای افعال با ریشه ۳ حرف	
<p>*ابتداًی اسم میم مضموم (مُ) وجود دارد و حرف اصلی وسط (عین الفعل) دارای حرکت (ـکسره) یا (ـیـ) می باشد.</p> <p>يُعَلِّمُ: معلم</p> <p>يُجِيبُ: مجیب</p>	<p>*بر وزن فعـل ساخته می شود.</p> <p>يَصْنَعُ: صانع</p>	اسم فاعل (صفت فاعلی)
<p>*ابتداًی اسم میم مضموم (مُ) وجود دارد و حرف اصلی وسط (عین الفعل) دارای حرکت (ـفتحه) یا (ـالـ) می باشد.</p> <p>يُجَرِّبُ: مجرّب</p> <p>يُرِيدُ: مراد</p>	<p>*بروزن مفعـول ساخته می شود.</p> <p>يَسْتَوِرُ: مستور</p> <p>يَصْنَعُ: مصنوع</p>	اسم مفعول (صفت مفعولی)
	<p>* این اسم بر وزن فعـال، فعـالة ساخته می شود.</p> <p>يَسْتَارُ: ستار، غفار</p> <p>يَأْمَارُ: علامه، امارة</p>	اسم مبالغه

خیلی مهم ...



۱- باید بدانیم که هر اسمی که بر اوزان مذکور ساخته می شود اسم فاعل، مفعول یا مبالغه نیست و اصولاً هر دو وجه لازم زیر رعایت می شود :

الف: وزن

ب : معنای مورد نظر هر وزن

۲- کاربرد و ترجمه اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه بصورت زیر می باشد:

در ترجمه باید مفهوم انجام دهنده کار یا دارنده حالت وجود داشته باشد: ناظر : بیننده، بینا / ساتر: پوشاننده / صانع: سازنده / مُكْتَشِف : کشف کننده	اسم فاعل
اسم مفعول یا صفت مفعولی در واقع بیانگر اسمی است که کار بر آن واقع شده است. پس چنین معنا و مفهومی باید از این نوع اسم فهمیده شود. مانند : مُجَرَّب : تجربه شده، آزموده / منصور: یاری شده	اسم مفعول
این اسم بر کثُرَت و زِيَادَى صفتی در اسم، اشاره دارد بنابراین وجود کلمه بِسْيَار در ترجمه ضروریست. البته باید توجه داشت که اسْم شُغْل هَا اگر چه اسم مبالغه می باشد اما در ترجمه از کلمه بسیار استفاده نمی کنیم. مانند : ستار: بسیار پوشاننده / غفار: بسیار آمرزنده / علامه: بسیار دانا / نجار: نجار / خباز: نانوا	اسم مبالغه

۳ - علامت **ة** در اسم مبالغه نشان مونث نیست بنابراین

.....

.....

«اسم تفضیل و اسم مکان»

* اسم تفضیل

منظور از اسم تفضیل همان صفت برتر می باشد و همانطور که از اسم آن پیداست مفهوم برتری را از خود نشان می دهد.

اسم تفضیل دارای دو وزن است که در جدول زیر بصورت کامل به بیان آن می پردازیم:

وزن	کاربرد دستوری	کاربرد معنایی
أ فعل	برای مذکر به کار می رود. مانند: أَكْبَرُ، أَفْضَلُ	همراه <u>تر و ترین</u> استفاده می شود. مانند: أَكْبَرُ: بزرگتر، بزرگترین
فُعل	برای مونت به کار می رود. مانند: كُبْرَى، حُسْنَى	همراه <u>تر و ترین</u> استفاده می شود. مانند: حُسْنَى: خوبتر، خوبترین

خیلی مهم ...



- کلماتی مانند أَحَبُّ، أَشَدُّ، أَقْلَى اسم تفضیل محسوب می شوند و باید شکل آنها را به خاطر سپرد در واقع این اسم ها بصورت أَحَبُّ، أَشَدُّ و أَقْلَى بوده اند که به علت وجود حروف تکراری، این حروف ادغام گردیده اند و با علامت تشدید آن را نشان داده ایم.

- کلماتی مانند أَبْقَى ، أَتَقَى و ... با رعایت نکات ترجمه اسم تفضیل محسوب می شود .

۳ - در ترجمه اسم تفضیل گاهی از پسوند **تر** و گاهی از پسوند **ترین** استفاده می کنیم که نحوه‌ی استفاده این دو پسوند در جدول زیر بیان شده است:

أَخْيَاكُبُرُ مِنِي: بِرَادِرْمَ ازْ مَنْ بِزَرْگَرْ اَسْت. حَدِيقَةُ جَدِّي أَجْمَلُ مِنْ حَدِيقَةِ صَدِيقِ أَبِي. بَاغْ پَدْرِبَرْگَمْ ازْ بَاغْ دُوْسْتِ پَدْرِمْ زَيْبَاتِرْ اَسْت.	تر ترین	اَسْمَ تَفْضِيل + حَرْفُ جَرْ «مِنْ» (حَالَتْ مَقَائِيسَه مِيَانْ دَوْ اَسْمَ)
اللَّهُ أَكْبَرُ: خَداُونَدْ بِزَرْگَرْ اَسْت. «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهِ حَفْظُ الْلِّسَانِ» مَحْبُوبَتِرِينْ كَارْهَا نَزَدْ خَداُونَدْ حَفْظُ زَيْبَانْ اَسْت.	تر ترین	اَسْمَ تَفْضِيل + اَسْمَ بَدَوْنَ وَجُودُ حَرْفُ جَرْ «مِنْ» قَبْلَ اَزْ آن

۴ - گاهی دو کلمه‌ی **خَيْر** و **شَرّ** همراه **تر** و **ترین** ترجمه می شوند. در این موقع آنها را اسم تفضیل محسوب می کنیم.

مانند:

الف) النَّبِيُّ (ص) خَيْرُ النَّاسِ. پیامبر (ص) **بَهْرَتِرِين** مردم است.

ب) الْكِذْبُ شَرُّ الْأَعْمَالِ. دروغ **بَدْتِرِين** کارهاست.

۵ - تفاوت آخر و آخر :

۶ - هر گاه بخواهیم از اسم تفضیل جمع مُکَسَّر بسازیم باید آن را در وزن **أَفْاعِل** شکل دهیم.

مانند: **أَفْضَل**

۷ - هرگاه بخواهیم **حَتَّى** دو اسم مونث را مورد مقایسه قرار دهیم، از وزن مذکور اسم تفضیل یعنی **أَفْعَل** استفاده می کنیم.

مانند:

۱) إِصْفَهَانُ أَكْبَرُ مِنْ كَرْجٍ.

۲) أَخْتَى أَعْلَمُ مِنْ صَدِيقَتِهَا.

۳) مَرِيمُ أَكْبَرُ مِنْ نَرْجِسٍ.

- گاهی ممکن است فعل هایی مانند أَحَبَّ را با ماضی اشتباه بگیریم و بهترین راه برای تشخیص ترجمه می باشد. به مثال های زیر توجه کنید:

* أَحَبَّ أَبِي أَنْ يَصِيرَ مُهَنْدِسًا زَرَاعِيًّا.

پدر من دوست داشت که مهندس کشاورزی بشود.

* أَحَبَّ الْإِنْسَانُ عِنْدَ النَّاسِ مِنْ يَخْدِمُ الْآخْرِينَ.

محبوبترین انسان نزد مردم کسی است که به دیگران خدمت می کند.

* خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُ النَّاسِ.

بهترین مردم سودمندترین مردم است.

* أَنْفَعُ النَّاسُ مِنْ قِصَاصِ الْقُرْآنِ.

مردم از قصه های قرآن بهره بردنده.

پرسش های چهار گزینه ای

- عَيْنُ الْخَطَا في جمع الاسماء:

- ١) أَعْظَمُ ← عَظِيمٌ ٢) مَسْهُورٌ ← مَسْهُورٌ ٣) مَنْظَرٌ ← مَنْظَرٌ ٤) أَفْضَلُ ← أَفْضَلٌ

✓ نکته :

اسم رنگ ها مانند أَخْضَرُ، أَزْرَقُ و ... اگرچه بر وزن أَفْعَلُ هستند أمّا اسم تفضيل محسوب نمی شوند. چرا که در ترجمه نمی توانیم از تر و ترین بعنوان پسوند برتری استفاده کنیم مثلاً بگوییم أَخْضَرُ يعني سبز تر.

- عَيْنُ كَلْمَةٍ لَيْسَتْ اسْمَ التَّفْصِيلِ:

- ١) أَحْبَتْ ← أَحْبَبْ ٢) أَحْسَنْ ← أَحْسَنْ ٣) أَقْوَى ← أَقْوَى ٤) أَصْفَرْ ← أَصْفَرْ

عَيْنُ الْخَطَا:

- | | |
|---|---|
| <p>١) أَحْسَنْ ← حُسْنٌ ٢) أَعْلَى ← عُلْيَا ٣) أَخْضَرْ ← حُضْرٌ</p> | <p>٤) أَصْفَرْ ← صُفْرٌ مؤنث مؤنث</p> |
|---|---|

- عَيْنُ كَلْمَةٍ «خَيْرٌ» لَيْسَتْ اسْمَ التَّفْصِيلِ:

- ١) الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيلِ السَّوْءِ! ٢) رَبَّ إِنِّي لَمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ! ٣) لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ! ٤) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ!

- عَيْنُ عَبَارَةٍ لَيْسَتْ فِيهَا كَلْمَةٌ تَدْلُّ عَلَى التَّفْصِيلِ:

- ١) أَحْسَنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ! ٢) فَقِيهٌ وَاحِدٌ أَشَدُ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الْفِعَالِ! ٣) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ! ٤) إِعْمَلْ لِيَنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا!

اسم مکان و زمان

این نوع اسم در واقع بیانگر زمان و مکان است وزن هایی مه اسم زمان و مکان بر آن وزن ها ساخته می شود در جدول زیر بیان شده است:

مفعَلَة	مَفْعِل	مَفْعُل
مَدْرَسَة	مَنْزِل	مَكْتَب
مَكْتَبَة	مَغْرِب	مَشْهَد
مَحْفَظَة	مَسْجِد	مَشْعُل

نکات:

۱- وزن های ذکر شده در جدول را (به استثنای مفعَلة) نمی توان اختصاص به اسم زمان یا اسم مکان داد و باید به نوع کاربرد آنها در جمله و معنا و مفهومی که دارد توجه نمود. به مثال های زیر توجه کنید:

۱) رأيٌّ أصدقائيٌّ فِي مَغْرِبِ الْبَسْطَانِ.

دوستانم را در غرب باغ دیدم ← اسم مکان

۲) رأيٌّ أصدقائيٌّ فِي مَغْرِبِ الشَّمْسِ.

دوستانم را در غروب خورشید دیدم ← اسم زمان

۳) كَانَ نَجَارٌ وَ صَاحِبُ مَصْنَعٍ صَدِيقَيْنِ.

نجار و صاحب کارخانه دو دوست بودند ← اسم مکان

۲- جمع مُكَسِّر اسم زمان و اسم مکان بر وزن مَفَاعِل ساخته می شود.

مانند:

۱) مَكْتَب ← مَكَاتِب

٢) مَسْجِد → مساجد

٣) مَدْرَسَة → مدارس

کار در کلاس

١- ضع خطأ تحت إسم المكان و إسم التفضيل و إسم الفاعل و إسم المفعول و اسم المبالغة ثم ترجم هذه الكلمات.

١) فأكُلُ الْفَطُورَ وَالْغَدَاءَ وَالْعَشَاءَ فِي مَطْعَمٍ نَظِيفٍ وَجَيِّدٍ.

٢) الْأَخْتَانِ سَمِعَنَا كَلَامَ الْمُعَلَّمَةِ وَهُمَا تَعْمَلَانِ بِهِ.

٣) طَالِبَاتُ الْمَدْرَسَةِ مَسْرُورَاتٍ لِأَنَّهُنَّ يَلْعَبْنَ فِي مَعْبِ جَمِيلٍ.

٤) «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرُهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَابًا»

٥) كان في هذا المجلس من هو أحق منك بالحكم.

٢- صُغْ ما طلبَ منكَ.

أَكَابِرٌ (.....)	مَخَازِنٌ (.....)	مَطَابِعٌ (.....)	مَلَائِكَةٌ (.....)	الْمَفْرَد
أَحْسَنٌ (.....)	مَرْجَعٌ (.....)	مَطْعَمٌ (.....)	مَصْنَعٌ (.....)	الجمع النكسيـر

پرسش های چهار گزینه ای

۱ - عین الصحيح:

- (۱) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَنْفَعَهُمْ لِعِبَادَةٍ. بَنْدَگَان خَدَا رَا دُوْسَتْ دَارِيْمَ كَه سُودَشَان بَرَای بَنْدَگَان است.
- (۲) زَمِيلَى كَان مِنْ أَفَاضُلِ الْمُؤَظَّفِينَ. هَمَكَارَم از بَرْتَرِين هَاهِي كَارْمَنْدَان بَوْدَ.
- (۳) آسِيَا أَكْبَرْ قَارَّاتِ الْعَالَمَ . آسِيَا بَزَرْگَ تَرِين قَارَه در جَهَان است.
- (۴) أَرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا، هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَّةٌ. اِينْ قَيْمَتُهَا كَرَان هَسْتَنْدَ اِرْزاَن تَرِين رَا مَى خَواَهَمَ.

۲ - عین الخطأ:

- (۱) أَكْبَرُ الْعِيَبُ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلُهُ: بَزَرْگَ تَرِين عَيَبَ آن است که هَمَانَند آن در تَوْسَتَ.
- (۲) لَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَ لَا تَتَبَزَّزُوا بِالْأَلْقَابِ: اِز يَكْدِيْگَرْ عَيَبَ نَگِيرِيدَ، بَه هَمَدِيْگَرْ لَقَبَهَايِ زَشَت نَدَهِيدَ.
- (۳) إِجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظُّنُونِ إِنَّ بَعْضَ الظُّنُونِ إِثْمٌ: اِز گَمَانَهَاي بَسِيَار دورِی کَنِيد چَوْن بَعْضِي از مَوَاقِع گَمَانَ کَرِدن، گَنَارَه دَارَد.
- (۴) أَنَّمَا بُعِثِّتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارَمَ الْأَخْلَاقِ: قَطْعاً برَای تَمَامَ کَرِدن فَضْيَلَتَهَاي اَخْلَاقِ فَرَسْتَادَه شَدَمَ.

۳ - عَيْنِ عَبَارَةٍ مَا جَاءَ فِيهَا اسْمُ المَكَانِ:

- (۱) «وَلِلَّهِ الْمَشْرُقُ وَالْمَغْرِبُ»
- (۲) قَسَمَ رَجُلًا مَزْرَعَتَهُ إِلَى نِصْفَيْنِ لِأَوْلَادِهِ.
- (۳) جَاءَتِ الطَّالِبَةُ مِنَ الْمَكْتَبَةِ مَسَاءً .
- (۴) «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْوِيًّا لَّا

٤- عَيْنَ عَبَارَةً جَاءَ فِيهَا اسْمُ الْمَكَانِ وَ اسْمُ التَّفْضِيلِ معاً:

١) لَقَدْ خَلَقْنَا إِلَيْنَا فِي أَحْسَنِ تَقوِيمٍ

٢) دَخَلَ أَحَدٌ مِنَ الْمُدَرِّسِينَ فِي غُرْفَةِ مُدِيرِ الْمَدْرَسَةِ.

٣) فِي هَذِهِ الْمَحْكَمَةِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْكَ بِالشَّهَادَةِ.

٤) إِحْتَرِمْ مَنْ هُوَ أَصْعَرُ مِنْكَ.

٥- عَيْنَ كَلْمَةً «خَيْر» اسْمُ التَّفْضِيلِ:

١) الصَّلَاةُ خَيْرٌ.

٢) النَّبِيُّ (ص) خَيْرُ النَّاسِ.

٣) الْعَمَلُ الْخَيْرُ هُوَ الصَّلَاة.

٤) عَلَيْكَ أَنْ تَفْهَمَ الْخَيْرَ وَ الشَّرَّ.